

## == مقررات جنگی اسلام ==

اسلام ، پس از اعتراف بموضوع اجتناب ناپذیر جنگ پس از تعیین علل و اهداف آن ، برای خود جنگ نیز برنامه قانونی مفصلی - بر پایه عدل و انصاف و احترام حقوق و کوشش در حفظ حدود و دشمن بشری - تنظیم کرده است ، قسمتی از این برنامه مربوط بقبل از شروع جنگ و قسمتی مربوط باثنای جنگ و قسمتی دیگر مربوط بدوران بعد از جنگ است :

### الف - برنامه مربوط بقبل از شروع جنگ

اسلام مقرر داشته است که شروع بجنگ در موقعی مجاز و رواست که عداوت و سوء قصد مخالفین نسبت بمسلمین واضح و مسلم شود پس از توضیح این معنی ، بر حکومت اسلامی واجبست که دعوت و رسالت اسلام را بمخالفین ابلاغ کند . این قسمت از برنامه همان چیزی است که در اصطلاح بین المللی عصر حاضر « **انذار نهائی** » یا (اولتیماتوم) نامیده می شود . پیامبر اسلام (ص) یکی از فرماندهان سپاه فرمود : « اذالقیتم عدوک من المشرکین فادعهم الی احدی ثلاث » بهنگامی که بادشمنان خود از مشرکین رو برو شوی ایشان را یکی از سه اصل دعوت کن . فقهاء اسلام در این باره میگویند : ما بوسیله این دعوت بمشرکین اعلام میکنیم که منظور ما از جنگ ، ربودن اموال و اسارت اهل و عیال ایشان نیست ، وجهیسا که ایشان چون بحقیقت دعوت و منظور ما واقف شوند ، بدون خونریزی آنرا بپذیرند . بهمین جهت جنگیدن با ایشان ، قبل از دعوت ، گناهی است که مرتکب آن مستوجب غضب خداست .

### ب - برنامه مربوط به اثناء جنگ

منظور اسلام از جنگ کینه خواهی و تخریب نیست این شریعت راضی نیست که مردم فضائل انسانی از قبیل مدارا و رحم و عدالت و خوف و خشیت خدا را ، در اثناء جنگ فراموش کنند . بهمین جهت آدابی برای اثناء جنگ مقرر داشته است که اگر ملل جهان آنرا بکار می بستند بسیاری از مصائب و بلاهای جنگ خانمانسوز تخفیف می یافت . اکنون قسمتی از این مقررات و آداب را از نظر خواننده این مقاله میگذرانیم :

۱ - اسلام کشتن زنان و کودکان و پیران فرتوت و افراد زمین گیر و نابینا و بیمار را روا نمیدارد ، همچنین کشتن صومعه نشینان و کشاورزان و صنعتگرانی را که در جنگ شرکت ندارند تجویز نمیکند .

۲ - اسلام مثلہ و قطع کردن اعضاء بدن دشمنان و سوزاندن و قطع اشجار و تخریب مزارع و ساختمان‌ها را روا نمیدارد ، مگر آنکه دشمن بچنین اعمالی پیشدستی کرده باشد . زیرا در اینصورت آئین عدل و عدالت ، معامله بمثل را تجویز میکند .

۳ - اسلام کشتن سربازان مجروح و آتش زدن را روا نمیدارد ، و از جمله سفارشهای اخلاقی پیامبر اسلام بیکی از فرماندهان لشکر اسلام این سفارش پرارزش است :

« لا تقتل امرأة ولا صبیا ولا کبیراً هرما ؛ ولا تقطع شجرامثمرا ؛ ولا تخرب عامرا ولا تعقرن شاة الا لمالکة ؛ ولا تفرقن بخلا ولا تحرقه . وان النار لا یعذب بها الا الله . » : زنان و کودکان و پیران فرتوت را مکش و درختان بارور را بر مکن ؛ و آبادیها را ویران مساز و خون گوسفندی را جز برای طعام مریز و خرما بنی را از زمین بر میاور و مسوزان ، و بدان که هیچکس جز خدا حق عذاب کردن با آتش را ندارد .

و نیز آنحضرت در این باره می فرماید: « لا تقتلوا الذریة فی الحرب » یعنی در گرو دار جنگ کودکان را مکشید .

چون مسلمین این سفارش را شنیدند گفتند: یا رسول الله ، مگر نه ایشان اولاد مشرکینند؟! رسول خدا (ص) فرمود: « اولیس خیار کم اولادالمشکین؟! » آیا بر گزیدگان شما اولاد مشرکین نیستند؟! (یعنی کافر بودن پدر مجوز قتل فرزند نمی شود) .

۴ - اسلام بموازات منع از کشتن زنان و کودکان و پیران و سایر کسانی که در جنگ شرکت نداشته اند ، گرسنگی دادن دشمنان و محاصره اقتصادی و جلوگیری از ضروریات حیات را نیز درباره ایشان روا نمیدارد .

۵ - از جمله مواد برنامه اسلام در زمان اشتغال ب جنگ - که حکایت از روح مسالمت آمیز آن می کند اینست که اجازه میدهد افراد و هیئتهائی از طرف دولت محارب بامسلمین ملاقات کنند و بشهر و دیار اسلام وارد شوند ، و مدتی در آنجا بمانند و در پناه امنیت و امانی که اسلام بایشان می بخشد بانواع معاملات و تجارت و سایر شئون اجتماعی و غیر آن مشغول باشند و در تمام این مدت اسلام مسئول حفظ و حراست ایشانست ، و بر مسلمین واجب و مقرر میدارد که از مال و جان آنان حمایت کنند .

بلکه در مقام تسهیل و تأمین زندگی امن و آرام برای ایشان چندین گام فراتر می - نهد تا آنجا که انواعی از امتیازات بایشان عطا میکند ، و از پاره ای تکالیف که مسلمین را بان مکلف ساخته مافشان میدارد ، و جز در مورد ارتکاب اعمالی که موجب تهدید امنیت در جامعه

اسلامی گردد و یا حاکی از تعدی بمسلمین یا اهل ذمه باشد ایشان را مورد مؤاخذه قرار نمی دهد .  
شایان توجه و دقت است که اسلام در موضوع «امان» که از طرف مسلمین بدشمن داده میشود  
تسامح و توسعی عظیم بکار برده ، تا آنجا که بهر یک از افراد مسلمان حق داده است که کفار را  
امان دهد ، رسول اکرم (ص) در این باره فرموده است :

« یسعی بدمتھم ادناھم » و تنها شرطی را که در این باره مقرر داشته رعایت حفظ سلامت  
اجتماع اسلامی و عدم توجه خطری از ناحیه کفار - از قبیل جاسوسی و سایر اعمال تخریبی - نسبت  
بمملکت اسلام است .

چنانکه ملاحظه می شود این حکم عالیترین مظهر روح گذشت و مسالمت است و حتی در  
میان ملل و اقوام متمدن عصر حاضر نظیر آنرا نمیتوان یافت و مدرک و منشأ این حکم این آیه قرآن  
کریم است : « وان احد من المشرکین استجارک فاجرہ حتی یسمع کلام اللہ ثم ابلینہ ما منہ » (۱)  
« هر گاه یکی از مشرکین از تو پناه بخواند او را پناه ده تا سخن خدای را بشنود آنگاه او را  
به مسکن و مأمنش بازگردان »!

اسلام در پرتو این امان تبادل تجارت و منافع دیگر از قبیل صنعت و علم و فرهنگ را میان  
مسلمین و دشمنان نشان تجویز کرده و هیچگونه حد و قیدی در این باره برای مسلمین تعیین نکرده  
مگر آنکه احتیاط را نسبت بجان و دین و دولت خود رعایت کنند . و بهمین جهت فروش  
اسلحه و مهمات و ساز و برگ جنگ را بدشمنان اسلام تحریم کرده است .

از جمله اهداف اسلام در اعطاء این امان بکفار اینست که باین وسیله فرصتی در اختیار  
امان یافتگان قرار دهد تا در پرتو آن از نزدیک بحقیقت اسلام و اهداف و مقاصد عالی آن آشنا  
گردند این بهترین و نیرومندترین وسیله ای بود که اسلام در قرون اولیه خود در راه نشر دعوت و  
تبلیغ رسالت الهی به بسیاری از نقاط دور دست بدون توسل بچنگ و خونریزی مورد استفاده قرار  
میداد و بهمین مناسبت ملاحظه می شود که فقه اسلام زمامدار مسلمین را موظف ساخته است که  
بهنگام امان دادن بکفار مدت امان را کوتاه قرار ندهد تا در انجام معاملات و نیل بمقاصد مشروع  
خود دچار مضائقه نگردند .

۶- از جمله سنن و مقررات اسلام در اثناء جنگ رعایت و سیانت سفراء و نمایندگان  
است که میان حکومت اسلام و دشمنان اسلام بوظیفه سفارت قیام می کنند .

اسلام برای رعایت حال این طبقه مقرر داشته است که حکومت اسلامی در حفظ مال و  
جان و احترام ایشان بکوشد و آنان را در کف عنایت و حمایت خود قرار دهد تا بوطن خود  
باز گردند و همچنین مقرر داشته است که حکومت اسلامی از توقیف سفراء خود داری  
کند و حتی اگر یکی از این سفراء بمیل و اراده خود تابعیت خویش را ملنی سازد و

دین اسلام و تابعیت دولت اسلامی را بپذیرد بنا بر مقررات اسلامی حکومت اسلام حق ندارد که او را در حوزة خود نگاهدارد .

بررسی سیره و تاریخ حیات پیامبر (ص) شواهد بسیاری بر این مدعی نشان میدهد و جالبترین آنها داستانی است که ابورافع بدین ترتیب روایت کرده است :

« قریش مرا برسم سفارت نزد پیامبر (ص) فرستادند و من بهنگام درك حضور تحت تاثیر اسلام قرار گرفتم و مصمم شدم که نزد قریش بازنگردم لیکن رسول اکرم (ص) چون از تصمیم من آگاه شد فرمود : من پیمان خود را نمیشکنم و سفیران را نزد خود نگاه نمیدارم تو بسوی ایشان بازگرد تا چون بمکه وارد شدی و همچنان دل خود را باسلام متمایل یافتی بسوی ما برگرد . »

۷- دیگر از مقررات اثناء جنگ در اسلام قاعده معامله با اسیران جنگی است . اسلام در باره این اسیران سفارشی اکید و بلیغ کرده تا مسلمین درباره ایشان بائین احسان رفتار کنند و از آزدنشان پرهیزند . پیامبر در باره اسیر فرموده است : او را نیکو بدارید . و نیز فرموده است اطعامی که در خانه دارید گرد آورید و نزد اسیران بفرستید .

قرآن کریم در سفارش نسبت باسراء شرط تاکید را بجای آورده ، و تکریم ایشان را از مظاهر «بر» - که علامت ایمانست - قرار داده و فرموده است : «و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً . انما نطعمکم لوجه الله لانه لانیذ منکم جزاء و لاشکوراً (۱) مسلمانان برگزیده کسانی هستند که طعام را در عین احتیاج و شدت ضرورت بمسکین و یتیم و اسیر می بخشند . و میگویند همانا که ما شمارا بقصد تحصیل خشنودی خدا اطعام میکنیم . و از اینرو نه پاداشی از شما میخواهیم و نه سپاسی . »

درباب تعیین تکلیف اسیران جنگ ، اسلام زمامدار مسلمین را مخیر ساخته است که ایشان را برایگان آزاد کند . یا بنا باقتضای مصلحت مبلغی بعنوان «فداء» در مقابل اعاده آزادی از ایشان بستاند چنانکه خود پیغمبر (ص) بعضی از اسیران را بدون فداء و بعضی را با دریافت فداء و برخی را در برابر تعلیم خواندن و نوشتن باطفال مسلمین ، آزاد ساخت .

این ، قاعده اساسی و اصل نخستین درباره تعیین تکلیف اسیر جنگ از نظر اسلام است و اما در موردی که شخص پیغمبر (ص) اسیری را به بردگی گرفته ، یا برده ساختن اسیران را تجویز کرده ، باید در نظر داشت که این مورد از موارد استثنائی و به پیروی از حالت اجتماعی و وضع نافذ و متداول میان اقوام آن روزگار بوده است ، نه بعنوان یک تشریح دائمی و عمومی . زیرا تشریح عمومی و دائمی در این باره فرمان خداست که فرموده : فاما منّا بعد و اما فداء» (۲)

۱- سورة انسان ، آیه ۸-۹

۲- آیه ۴۷ سوره محمد